

## تغییرات جمعیتی و افزایش مجرد طولانی مدت در کشورهای آسیای شرقی ۲۰۵۰-۲۰۱۰<sup>۱</sup>

علی پژوهان<sup>۲</sup>

### چکیده:

ازدواج در شرق آسیا، نهادی اساسی برای تولید مثل و بقای اجتماعی تلقی می‌شود. تا دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، ازدواج در بیشتر کشورهای شرق آسیا، امری زود هنگام و همگانی بود. اما در دهه‌های اخیر، این الگو به تدریج به سمت ازدواج‌های دیر هنگام و با تعداد کمتر در حرکت است. در این مقاله هدف ما بررسی پیامدهای بلندمدت الگوهای جهانی ازدواج حاصل از تغییرات جمعیتی در بازار ازدواج و پیش‌بینی روندهای مجرد درازمدت (در سنین ۴۵ تا ۴۹ سال) در چهار جامعه شرق آسیا (چین، کره جنوبی، تایوان و ژاپن) می‌باشد. از همین رو، در این مقاله ابتدا مؤلفه‌هایی برای توصیف هنجارهای هم‌تایابی در ازدواج، بر اساس سن و سطح تحصیلات و با استفاده از داده‌های جمعیتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سپس، سناریوهای خلاف واقع ایجاد می‌کنیم که در آنها هنجارهای امروزی را بر ساختارهای جمعیتی آینده این جوامع اعمال می‌کنیم. همچنین سناریوهایی بر اساس هنجارهای تطبیق متقارن جنسیتی برای بررسی چگونگی تکامل جمعیت‌هایی که هرگز در سنین ۴۵ تا ۴۹ ازدواج نکرده‌اند، ارائه می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که در این جوامع در دهه‌های آتی، مجرد طولانی مدت نسبت به سال ۲۰۱۰ افزایش چشمگیری خواهد داشت. این افزایش مجرد از دگرگونی‌های جمعیت‌شناختی آتی در ازدواج ناشی می‌شود که اثرات هنجارهای هم‌تایابی متداول را شدت می‌بخشند. این افزایش مجرد در تایوان و کره جنوبی بیشتر است و داده‌های اخیر این کشورها، تمایل ضعیفی را به ازدواج در این کشورها نشان می‌دهند. نتایج بیانگر این است اگر هنجارهای غالب در هر یک از این جوامع تداوم پیدا کنند، عمومیت ازدواج در دهه‌های آتی به شدت کاهش خواهد یافت، حتی اگر هنجارها از لحاظ جنسیتی متقارن‌تر شوند. میزان هم‌باشی (زندگی مشترک بدون ازدواج) و فرزندآوری در آینده مشخص خواهد کرد که چگونه ازدواج بر روندهای باروری، رشد جمعیت، سالخوردگی و تولید مثل اجتماعی تاثیر خواهند گذاشت.

واژگان کلیدی: تغییرات جمعیتی، مجرد طولانی مدت، کشورهای آسیای شرقی و ازدواج

۱- این مقاله ترجمه و برگرفته از طرح پژوهشی آلبرت استیو، رایدی کاشیپ، جوهان گارسیا رومان و ... می‌باشد.

۲- استادیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی [pezghan.ali@yahoo.com](mailto:pezghan.ali@yahoo.com)

## مقدمه

ازدواج در شرق و بیشتر کشورهای آسیایی، نهادی اساسی برای تولید نسل اجتماعی محسوب می‌شود. ازدواج اثرات عمیقی بر روندهای باروری و رشد جمعیت دارد، چراکه به‌عنوان تنها عواملی محسوب می‌شود که در آن فرزندآوری اتفاق می‌افتد و همچنین دسترسی به حمایت خانوادگی در سنین بالاتر را ممکن می‌سازد (رایمو و همکاران، ۲۰۱۵). تا دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، ازدواج در بیشتر کشورهای شرق آسیا، تقریباً امری همگانی بود و تنها ۵ درصد از مردان و زنان تا اواخر ۴۰ سالگی مجرد می‌ماندند (جونز، ۲۰۱۰). همچنین ازدواج نسبتاً زود اتفاق می‌افتاد و در طیف وسیعی از سنین انجام می‌شد، به‌ویژه برای زنان، که معمولاً در اوایل دهه دوم زندگی خود ازدواج می‌کردند و شوهرانی داشتند که از خودشان سن بیشتری داشتند. از دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ازدواج زود هنگام و همگانی به ویژه در ژاپن، کره جنوبی و تایوان به سمت ازدواج‌های دیر هنگام و با تعداد کمتر، گرایش پیدا کرده است. اخیراً نشانه‌هایی از تغییرات مشابه در چین پدیدار شده است (لستانگ، ۲۰۱۰؛ یو و ژیه، ۲۰۱۵؛ جونز، ۲۰۱۰). پیامدهای بلندمدت این تغییرات در منطقه‌ای که بیش از یک پنجم جمعیت جهان در آن ساکن هستند، هنوز مورد بررسی قرار نگرفته است و برخلاف کشورهای غربی، تعویق ازدواج با افزایش چشمگیر زندگی مشترک بدون ازدواج (رایمو و همکاران، ۲۰۱۵) و تغییرات قابل توجه در هنجارهای جنسیتی (کان، هرتوگ و کولپاشنیکووا، ۲۰۱۹) همراه نبوده است.

این مقاله با دو هدف ارائه شده است: در ابتدا هنجارهای هم‌تایابی در ازدواج را بر اساس سن و سطح تحصیلات در چهار کشور شرق آسیا توصیف می‌کنیم، این کار را با استفاده از داده‌های جمعیتی گسترده انجام می‌دهیم. و سپس گرایش‌های آتی به مجرد تا سنین ۴۵ تا ۴۹ سالگی (که به‌عنوان مجرد دیر هنگام نیز شناخته می‌شود) را در این جوامع و در زمینه هنجارهای هم‌تایابی رایج و تغییر ترکیب جمعیتی در نرخ ازدواج بررسی می‌کنیم. ما بر روی درصدی از جمعیت مجرد یا کسانی تمرکز می‌کنیم که تا سن ۴۵ تا ۴۹ سالگی هرگز ازدواج نکرده‌اند. سن ۴۵ تا ۴۹ سالگی پایان دوره باروری زنان است و همچنین به این دلیل انتخاب شده که وقوع ازدواج یا زندگی مشترک، بعد از این دوره نسبتاً کم است.

ما تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های خودمان را بر چهار کشور شرق آسیا یعنی چین، کره جنوبی، تایوان و ژاپن متمرکز می‌کنیم که دارای روابط فرهنگی، سیاسی و تاریخی طولانی هستند. این کشورها همچنین یک گذشته مشترک در ارتباط با ازدواج زود هنگام دارند، از لحاظ جنسیتی متقارن هستند و در عین حال با تغییرات اجتماعی (به‌عنوان مثال، گسترش سریع تحصیلات، به‌ویژه در

بین زنان) و دگرگونی جمعیت‌شناختی (به‌عنوان مثال، کاهش باروری و به‌استثنای ژاپن، نسبت‌های جنسی نامتوازن) مشابهی در بازارهای ازدواج خودشان مواجه هستند. بر اساس داده‌های سرشماری‌ها، آمار زاد و ولد و مرگ‌ومیر و نظرسنجی‌ها، بررسی خود را با شرح الگوهای ازدواج اول در هر یک از این چهار کشور برحسب رواج ازدواج بر اساس سن، جنسیت و سطح تحصیلات شروع می‌کنیم. سپس با برآورد پارامتر نیروی جاذبه (شوئن، ۱۹۸۸) که تمایل به ازدواج بین مردان و زنان را بر اساس سن و سطح تحصیلات اندازه‌گیری می‌کند، هنجارهای همتایابی در این کشورها را توصیف می‌کنیم. این تجزیه و تحلیل ازدواج‌های اول ثبت‌شده‌ای را شامل می‌شود که حداقل یکی از زوجین اصالتاً اهل کشور مورد نظر باشند. بنابراین، ازدواج‌های چند ملیتی که به‌خصوص در تایوان و کره‌جنوبی فراوان هستند را نیز شامل می‌شود. سپس، پیامدهای تغییرات جمعیتی آتی برای مجرد طولانی‌مدت را در هر یک از این کشورها از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰ ارزیابی می‌کنیم. در این پژوهش، از تازه‌ترین پیش‌بینی‌های جمعیتی بر اساس جنسیت، سن و سطح تحصیلات برای چین، کره‌جنوبی، ژاپن (لاتز، باتز و کی‌سی، ۲۰۱۴) و تایوان (چنگو لویچینگر، ۲۰۱۷) استفاده می‌کنیم. ما با استفاده از هنجارهای همتایابی معاصر در پیش‌بینی‌های جمعیتی آینده که ابتدا بر اساس سن و جنسیت و سپس بر اساس سن، جنسیت و سطح تحصیلات تفکیک شده‌اند، چندین مجموعه پیش‌بینی غیر واقعی را در مورد ازدواج تولید می‌کنیم. در نهایت، مجموعه‌ای از سناریوهای غیر واقعی را ایجاد می‌کنیم و از طریق آنها به ارزیابی پیامدهای تغییرات توزیع جنسیتی هنجارهای همتایابی می‌پردازیم. سپس سناریوی مشاهده‌شده در هر کشور که منعکس‌کننده هنجارهای سنتی فراز همسری سنی و تحصیلاتی است (یعنی، زنان به احتمال بیشتری با مردان مسن‌تر از خودشان که سطح تحصیلات بالاتری دارند ازدواج می‌کنند) را با دو سناریوی دیگر مقایسه می‌کنیم. در سناریوی اول فرض می‌شود که تقارن جنسیتی کامل در هنجارهای همتایابی وجود دارد و در سناریوی دوم الگو را از فراز همسری به فرودست همسری (یعنی، مردان اکنون به احتمال بیشتری با زنان مسن‌تری که سطح تحصیلات بالاتری دارند، ازدواج می‌کنند) تغییر می‌دهیم. این گرایش دوم با وارونگی جهانی شکاف جنسیتی در تحصیلات و پایان فراز همسری (استیو، گارسیا-رومن و پرمانییر، ۲۰۱۲؛ استیو و همکاران، ۲۰۱۶؛ رایمو و پارک، ۲۰۲۰) همخوانی دارد.

در سراسر این متن، به تمایل به ازدواج در بین گروه‌های جنسیتی، سنی و تحصیلاتی به‌عنوان هنجارهای همتایابی یا هنجارهای ازدواج اشاره می‌کنیم. با تغییر در ترکیب جمعیتی، ما به سه گرایش اصلی که در آینده بر ترکیب سنی، جنسیتی و تحصیلاتی جمعیت‌های در معرض ازدواج

«بازار ازدواج» تاثیر خواهند گذاشت، اشاره می‌کنیم. اولاً، به دلیل کاهش باروری در گذشته که تعداد تولدها در این جوامع را کاهش داده است و درآینده نیز زاد و ولد را کاهش خواهد داد (میرسکیلا، گلدستاین و چنگ، ۲۰۱۳)، گروه‌هایی که در دهه‌های آینده وارد بازار ازدواج خواهند شد، به طور تصاعدی کمتر خواهند بود. ثانیاً، به‌استثنای ژاپن، کشورهای شرق آسیای حاضر در این تحقیق از دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تاکنون به دلیل ترجیح به دنیا آوردن پسر و عمل سقط جنین بر پایه جنسیت با انحرافات نسبت جنسی موالید مواجه بوده‌اند. در نتیجه این گروه‌ها دارای نسبت مرد به زن بیشتری در مقایسه با آنچه هستند که تحت شرایط معمول وجود دارد (گولیموتو، ۲۰۰۹). ثالثاً، گروه‌های دارای سطوح تحصیلات بسیار بالاتری به ویژه در بین زنان، وارد بازار ازدواج خواهند شد. اگرچه جوامعی که در اینجا مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در سطوح مختلفی از توسعه آموزشی قرار دارند، گروه‌های جدید یا شاهد رشد سریع‌تر تحصیلات عالی زنان نسبت به مردان در ژاپن، تایوان و کره جنوبی بوده‌اند، یا این رشد را در دهه‌های آتی در چین شاهد خواهند بود (لاتز، باتز و کی‌سی، ۲۰۱۴؛ هانوم و همکاران ۲۰۱۹).

#### توصیف رژیم‌های ازدواج و دگرگونی تغییرات جمعیتی آینده

##### ویژگی‌های ازدواج بر اساس جنسیت و سطح تحصیلات

جدول ۱، به طور خلاصه رژیم‌های ازدواج در کشورهای چین، کره جنوبی، تایوان و ژاپن را توصیف می‌کند که در آن نسبت مردان و زنان مجرد بین ۲۰ تا ۲۴ سال و ۴۵ تا ۴۹ سال نشان داده شده است. این نسبت‌ها بر اساس سطح تحصیلات دسته‌بندی شده‌اند. گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال، معیاری غیرمستقیم برای سن ازدواج است، درحالی‌که گروه سنی ۴۵ تا ۴۹ سال شاخصی برای عمومیت ازدواج محسوب می‌شود. در همه جوامع، زنان نسبت به مردان زودتر ازدواج می‌کنند و در گروه‌های با تحصیلات عالی، هم زنان و هم مردان دیرتر از سایر گروه‌های با تحصیلات کمتر ازدواج می‌کنند. مردان و زنان چینی از سایر کشورهای مورد مطالعه زودتر ازدواج می‌کنند؛ این امر با درصد‌های پایین‌تر زنان هرگز ازدواج نکرده (۶۷.۵٪) و مردان هرگز ازدواج نکرده (۸۲.۴٪) در سنین ۲۰ تا ۲۴ سال مشاهده می‌شود. آمار زنان و مردان ۲۰ تا ۲۴ ساله هرگز ازدواج نکرده برای هر سه کشور کره جنوبی، تایوان و ژاپن بالای ۹۰٪ است.

جدول ۱: توصیف رژیم‌های ازدواج در چهار کشور شرق آسیا

ژاپن ۲۰۱۰		تایوان ۲۰۱۰		کره جنوبی ۲۰۱۰		چین ۲۰۰۵		درصد هرگز ازدواج نکرده ۲۰-۲۴ سال
مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
۹۴.۳	۹۰.۲	۹۸.۱	۹۴.۴	۹۸.۵	۹۴.۰	۸۲.۴	۶۷.۵	کل
-	-	-	-	۱۰۰.۰	۵۹.۱	۷۸.۳	۴۲.۲	پایین‌تر از ابتدایی
۸۱.۲	۶۸.۷	۹۳.۰	۷۵.۴	۹۳.۳	۴۵.۹	۷۲.۲	۴۲.۱	ابتدایی
۹۰.۵	۸۲.۲	۹۸.۶	۹۵.۴	۹۸.۸	۹۴.۸	۸۲.۵	۶۸.۵	متوسطه
۹۷.۵	۹۵.۷	۹۹.۴	۹۷.۷	۹۷.۴	۹۵.۷	۹۸.۱	۹۶.۶	دانشگاه
درصد هرگز ازدواج نکرده ۴۵-۴۹ سال								
۲۱.۰	۱۱.۷	۱۲.۰	۹.۹	۸.۱	۳.۳	۳.۱	۰.۴	کل
-	-	-	-	۳۶.۴	۴.۹	۲۲.۴	۱.۰	پایین‌تر از ابتدایی
۳۷.۲	۱۸.۶	۱۵.۸	۵.۳	۱۷.۵	۲.۰	۷.۱	۰.۳	ابتدایی
۲۳.۱	۱۰.۳	۱۱.۳	۹.۲	۸.۱	۲.۸	۱.۷	۰.۴	متوسطه
۱۶.۸	۱۲.۳	۸.۸	۱۷.۵	۴.۳	۵.۴	۰.۹	۱.۴	دانشگاه
جفت‌گزینی بر اساس تحصیلات (از دیدگاه زنان)								
۶۳.۴		۶۲.۲		۷۹.۳		۶۷.۸		ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های یکسان یا خود
۱۵.۲		۱۹.۱		۱۰.۴		۲۱.۹		ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های بالاتر از خود (فراز همسری)
۲۱.۴		۱۸.۸		۱۰.۳		۱۰.۳		ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های پایین‌تر از خود (فرو دست همسری)

منبع: سرشماری سال ۲۰۰۵ چین، سال ۲۰۱۰ کره جنوبی، سال ۲۰۱۰ تایوان و سال ۲۰۱۰ ژاپن.

ازدواج در چین عملاً برای افراد در سنین ۴۵ تا ۴۹ سال، به‌جز برای مردان چینی با تحصیلات ابتدایی یا پایین‌تر، امری همگانی بوده است. از طرف دیگر، ژاپن بالاترین سطوح مجرد دیرهنگام در بین این کشورها را دارد. در همه جوامع، زنان درصد کمتری از کسانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند را تشکیل می‌دهند. به‌استثنای تایوان، زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، بالاترین درصد زنانی را تشکیل می‌دهند که تا ۴۵ تا ۴۹ سالگی ازدواج نکرده‌اند. در میان مردان و در همه جوامع، بالاترین میزان مجرد برای افراد با سطح تحصیلات پایین است و پایین‌ترین میزان مجرد برای افراد دارای تحصیلات دانشگاهی است. جالب اینجاست که در ژاپن، بالاترین میزان افرادی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، هم در میان زنان و هم در میان مردان، افراد دارای سطح تحصیلات

ابتدایی هستند.

الگوهای ازدواجی توصیف شده در جدول ۱، هم محصول هنجارهای هم‌تایابی در ازدواج و هم محصول ترکیب جمعیتی بازارهای ازدواج هستند. در بخش بعدی، معیاری برای جداسازی هنجارهای هم‌تایابی بر اساس سن، جنسیت و سطح تحصیلات حاصل از ترکیب جمعیتی ارائه خواهیم کرد.

## ۲.۲ نیروهای جاذبه

تابع میانگین هماهنگ پیشنهادی ارائه شده توسط شوئن (۱۹۸۸) تابعی ساده و زیبا است که برای پیوند دادن تعداد ازدواج‌هایی تدوین شده است که برای جمعیت در معرض ازدواج استفاده می‌شود و امکان برآورد پارامتر ثابت‌کننده تمایل یا احتمال ازدواج را برای ما فراهم می‌کند. این پارامتر مطلوبیت ازدواج و هنجارهای هم‌تایابی بین مردان و زنان دارای سن  $(i, j)$  و ویژگی‌های تحصیلاتی خاص  $(k, l)$  را ثبت می‌کند. اگر مردان  $(M_{ik})$  و زنان  $(W_{jl})$  با ویژگی‌های معین به طور تصادفی با یکدیگر مواجه شوند، تمایلات بالاتری به ازدواج  $(\alpha_{ijkl})$  نشان می‌دهد که نرخ‌های بالاتر چنین برخوردهایی، احتمالاً به ازدواج منجر خواهد شد (کیان<sup>۱</sup> و پرستون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳: ۴۸۳).

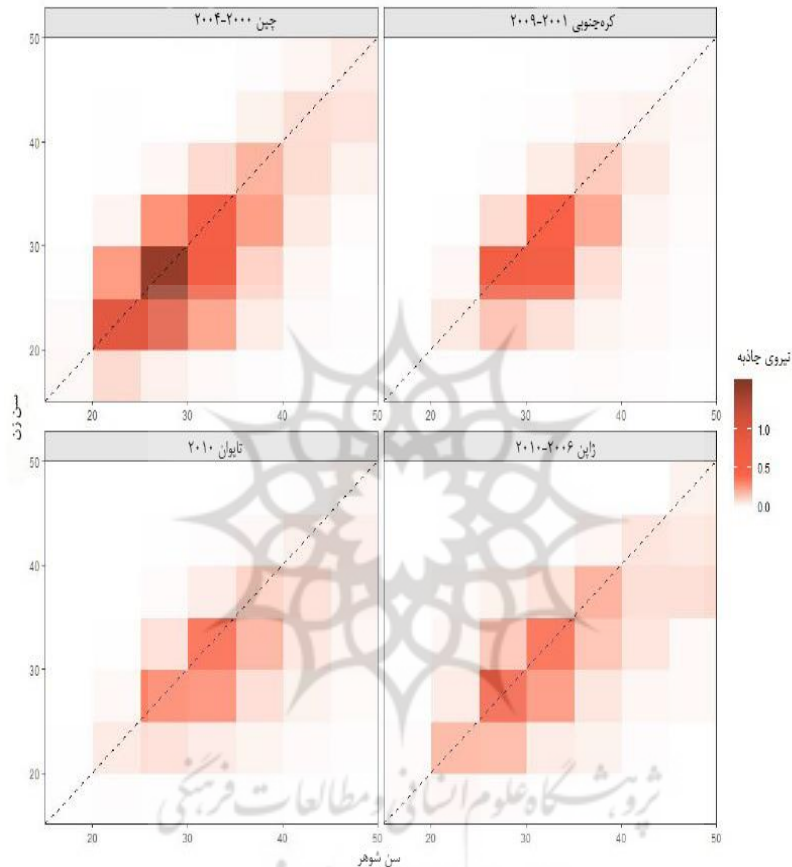
شکل ۱، نیروهای جاذبه  $(\alpha_{ijkl})$  را بر اساس سن برای مردان و زنان نشان می‌دهد. هر سلول، تمایل هم‌تایابی برای مردان (شوهران) یک گروه سنی خاص  $i$  (نشان داده شده روی محور  $X$ ) با زنان (همسران) یک گروه سنی خاص  $j$  (نشان داده شده روی محور  $Y$ ) در یک کشور را نشان می‌دهد. سلول‌هایی که روی قطر قرار دارند، نشان‌دهنده پیوندهایی هستند که در آنها سن زن و مرد یکسان است، آنهایی که پایین‌تر از قطر هستند، نشان می‌دهند که شوهر از زن بزرگ‌تر است و آنهایی که بالاتر از قطر قرار دارند، نشان می‌دهند که سن زن از شوهرش بیشتر است. چین به طور قابل توجهی نیروهای جاذبه بالاتر، یا به عبارت دیگر، هنجارهای هم‌تایابی قوی‌تری در تمام سنین، در مقایسه با سه کشور دیگر دارد. این جاذبه بالاتر با رنگ‌های تیره‌تر شبکه برای سلول‌های این کشورها نشان داده شده است. همان‌طور که با سلول‌های تیره‌تر در سنین پایین‌تر و به طور خاص زیر قطر نشان داده شده، چین هنجارهای هم‌تایابی قوی‌تری در سنین پایین‌تر و هنجارهای قدرتمندتری از سن بیشتر شوهر نسبت به زن در مقایسه با ژاپن، کره جنوبی و تایوان

1-Qian  
2-Preston

را نشان می‌دهد.

شکل ۱: نیروهای جاذبه ( $\alpha_{ij}$ ) بین مردان و زنانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند در بازار

ازدواج بر اساس گروه‌های سنی در چهار کشور شرق آسیا

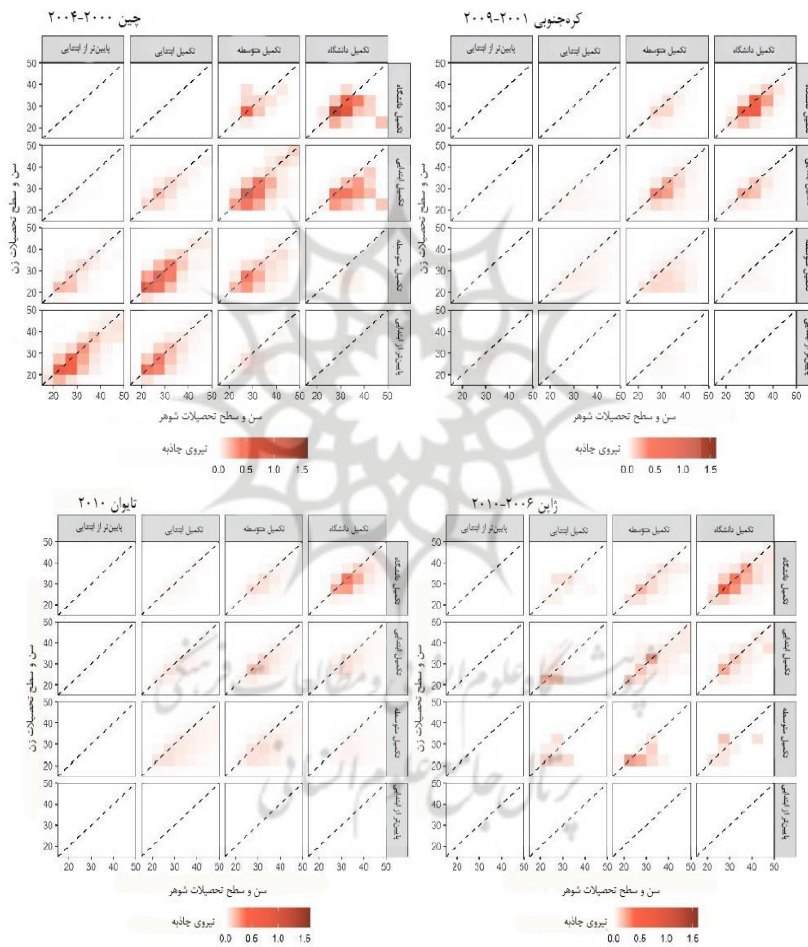


منبع: شرح و تفصیل‌های شخصی بر اساس دو نظرسنجی ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ از ۱ درصد از جمعیت چین؛ آمار زاد و ولد و مرگ‌ومیر کره جنوبی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹؛ آمار زاد و ولد و مرگ‌ومیر و آمار سرشماری جمعیت تایوان ۲۰۱۰؛ نظرسنجی باروری ملی ژاپن ۲۰۱۰

شکل ۲، نیروی جاذبه بر اساس سن و تحصیلات ( $\alpha_{ijkl}$ ) برای چین، کره جنوبی، تایوان و ژاپن را نشان می‌دهد. مجموعه‌ای از مربع‌های ۴ در ۴ برای هر جمعیت در شکل وجود دارد، که در آن هر مربع همه مقادیر  $\alpha_{ijkl}$  متناظر با ترکیبی از گروه‌های تحصیلاتی زن و شوهر در سنین مختلف را نشان می‌دهد (که با سلول‌هایی در مربع‌های بزرگ‌تر نشان داده می‌شوند). در تمامی

موارد، شکل نشان می‌دهد که هنجارهای سطح تحصیلات یکسان، قوی‌ترین هنجارها بوده و این امر به طور خاص برای گروهایی صدق می‌کند که در آن هر دو طرف، تحصیلات دانشگاهی دارند (بالاترین مربع سمت راست).

شکل ۲: نیروهای جاذبه ( $\alpha_{ijkl}$ ) بین مردان و زنانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند بر اساس گروه‌های سنی و سطح تحصیلات در چهار کشور شرق آسیا



منبع: شرح و تفصیل‌های شخصی بر اساس دو نظرسنجی ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ از ۱ درصد از جمعیت چین؛ آمار زاد و ولد و مرگ‌ومیر کره جنوبی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹؛ آمار زاد و ولد و مرگ‌ومیر و آمار سرشماری جمعیت تایوان ۲۰۱۰؛ نظرسنجی باروری ملی ژاپن ۲۰۱۰



جدول ۲، شاخص‌های کلیدی مرتبط با قدرت هنجارهای همتایابی و همتایابی بر اساس تحصیلات برای هر یک از جوامع، بر اساس مقادیر  $\alpha_{ijkl}$  را نشان می‌دهد. مجموع  $\alpha_{ijkl}$  نشان می‌دهد که هنجارهای همتایابی در همه ترکیب‌های سن - تحصیلات تا چه حد قوی هستند - مقادیر بالاتر با رژیم‌های ازدواج فراگیرتر، متناظر هستند. جدول ۲، میزان تمایلات ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های یکسان با خود، ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های بالاتر از خود (فراز همسری) و ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های پایین‌تر از خود (فروست همسری) بر اساس تحصیلات را نشان می‌دهد. این جدول همچنین نشان می‌دهد که تمایلات همتایابی در میان افراد دارای تحصیلات دانشگاهی چه میزانی از تمامی تمایلات همتایابی مشاهده شده را تشکیل می‌دهد.

جدول ۲: شاخص‌های کلیدی مرتبط با قدرت هنجارهای همتایابی در بین گروه‌های تحصیلاتی در چهار کشور شرق آسیا

	تایوان ۲۰۱۰-۲۰۰۰	کره جنوبی ۲۰۰۹-۲۰۰۱	چین ۲۰۰۴-۲۰۰۰	ژاپن ۲۰۱۰-۲۰۰۰
مجموع $\alpha_{ijkl}$	۷.۴	۹.۱	۳۰.۷	۹.۶
تمام سطوح تحصیلاتی				
درصد ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های یکسان	۰.۵۴	۰.۶۱	۰.۶۰	۰.۵۱
درصد ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های بالاتر	۰.۱۸	۰.۱۱	۰.۱۱	۰.۲۳
درصد ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های پایین‌تر	۰.۲۷	۰.۲۷	۰.۳۰	۰.۲۶
فقط افراد دارای تحصیلات دانشگاهی				
درصد ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های یکسان	۰.۲۹	۰.۳۳	۰.۱۴	۰.۲۹
درصد ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های بالاتر	۰.۱۱	۰.۰۷	۰.۰۴	۰.۱۵
درصد ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های پایین‌تر	۰.۱۴	۰.۱۳	۰.۱۲	۰.۱۶
نسبت بالاتر / پایین‌تر	۱.۳۴	۱.۸۷	۳.۹۹	۱.۰۵

منبع: شرح و تفصیل‌های شخصی بر اساس دو نظرسنجی ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ از ۱ درصد از جمعیت چین؛ آمار زادوولد و مرگ‌ومیر کره جنوبی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹؛ آمار زاد و ولد و مرگ‌ومیر و آمار سرشماری جمعیت تایوان ۲۰۱۰؛ نظرسنجی باروری ملی ژاپن ۲۰۱۰

چین در شکل ۲، رنگ‌های تیره‌تری در سنین و سطوح تحصیلاتی مختلف در مقایسه با دیگر کشورهای شرق آسیا را نشان می‌دهد و همچنین در جدول ۲، مقادیر بالاتری برای مجموع  $\alpha_{ijkl}$  دارد. این تمایلات همتایابی نشان می‌دهند که هنجارهای ازدواج عمومی هستند و ازدواج

زودتر اتفاق می‌افتد. تمایل به فراز همسری تحصیلی در چین قوی‌تر از سه کشور دیگر شرق آسیا است. اگرچه تمایل به ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های یکسان تحصیلی، بالاترین میزان را به خود اختصاص می‌دهد، اما در پیوندهای بین افراد از طبقات و رتبه‌های غیریکسان، به‌خصوص در گروه‌های دارای تحصیلات دانشگاهی، نسبت تمایل به ازدواج با افراد سطح بالاتر از تمایل به افراد سطح پایین‌تر، بیشتر است.

ژاپن، کره جنوبی و تایوان در مقایسه با چین، سطوح بسیار پایین‌تری از نیروهای جاذبه را دارند. به‌خصوص در تایوان و نیز در کره جنوبی، نیروهای جاذبه در گروه‌های مختلف ضعیف هستند، که نشان دهنده تمایل کمتر به ازدواج در بین گروه‌های تحصیلی است. نیروهای جاذبه در تایوان حتی از ژاپن و کره جنوبی نیز کمتر است. در ژاپن، تمایلات هم‌تابایی فراز همسری با تمایلات هم‌تابایی فرودست همسری متعادل بوده و نسبت بین این دو مورد در میان افراد دارای تحصیلات دانشگاهی ۱/۵ است. در کره جنوبی به نظر می‌رسد که هنجارهای فراز همسری قوی‌تر از ژاپن باشد. کره جنوبی در مقایسه با ژاپن، الگوی قوی‌تری از تمایل به ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های تحصیلاتی پایین‌تر در میان افراد با تحصیلات دانشگاهی را نشان می‌دهد. الگوهای کلی جفت‌یابی‌گزینشی بر اساس تحصیلات، همچنان منعکس‌کننده هنجارهای سنت فراز همسری هستند، که نشان می‌دهد مردان به احتمال بیشتر با زنان با سطح تحصیلات پایین‌تر از خودشان ازدواج می‌کنند.

داده‌ها برای کره جنوبی و تایوان، رژیم ازدواجی را نشان می‌دهند که در نوسان دائمی قرار دارد. این تمایلات هم‌تابایی تصویری مقطعی را نشان می‌دهند که رفتار هم‌تابایی گروه‌های مختلف را شامل می‌شود. گروه‌هایی که اکنون در اواخر دهه سی‌سالگی و چهل‌سالگی هستند، تمایلات هم‌تابایی ضعیفی را در سراسر گروه‌های تحصیلی نشان می‌دهند، چراکه آنها به گروه‌هایی تعلق دارند که در سنین پایین‌تر یا اواخر دهه بیست‌سالگی ازدواج کرده‌اند. در مقابل، تمایلات هم‌تابایی امروزی در سنین پایین‌تر در تایوان و کره جنوبی ضعیف هستند، اما هنجارهای هم‌تابایی رایج هیچ سابقه‌ای از به تعویق انداختن ازدواجی که در سنین بالاتر و اواخر سی‌سالگی یا چهل‌سالگی رخ داده را نشان نمی‌دهند. در مقایسه، تمایلات هم‌تابایی در ژاپن، رژیم ازدواج با هنجارهایی را نشان می‌دهند که امکان پیوند بین طبقات و رتبه‌های غیر یکسان را فراهم می‌کند. رژیم ازدواج ژاپن، هنجارهای هم‌تابایی را فراهم می‌کند که مبتنی بر سن انعطاف‌پذیرتر هستند و با سلول‌های تیره‌تر در هر مربع در سنین بالاتر نشان داده می‌شوند.

### دگرگونی جمعیت‌شناختی و پیامدهای آن برای ازدواج

پیش‌بینی‌های جمعیتی همراه با سن و سطح تحصیلات، در طرح ما مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای چین، ژاپن و کره جنوبی، از پیش‌بینی‌های منتشرشده توسط مرکز ویتگنشتاین<sup>۱</sup> (لاتز، باتز و کی‌سی، ۲۰۱۴) استفاده می‌کنیم که اطلاعات آن در زمینه سطح تحصیلات در سناریوهای پیش‌بینی رشد متوسط جمعیت سازمان ملل تا سال ۲۰۵۰ (سازمان ملل، ۲۰۱۱) گنجانده شده‌است. ما از پیش‌بینی‌های منتشرشده توسط «چنگ» و «لوچیچینگر» (۲۰۱۷) برای تایوان استفاده می‌کنیم. گرایش‌های جمعیت‌شناختی مهم در این چهار کشور، در دهه‌های آینده بر روی ترکیب بازارهای ازدواج تاثیر خواهد گذاشت. از آنجاکه افرادی که در سال‌های آینده تا سال ۲۰۵۰ ازدواج خواهند کرد، در حال حاضر به دنیا آمده‌اند، انتظار داریم که این پیش‌بینی‌های جمعیتی در ثبت اندازه و ترکیب این جوامع برای دوره موردنظر، دقیق باشند.

اولین مورد از این گرایش‌ها، کاهش اندازه گروه تولد در نتیجه تنزل یا پایین آمدن سطح باروری است. چهار کشور شرق آسیا که در اینجا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند، در حال حاضر دارای سطوح باروری بسیار پایین‌تر برای جایگزینی جمعیتی هستند. در نتیجه، اندازه گروه تولد در همه کشورها کوچک‌تر از اندازه گروه‌های مسن‌تر است و اگر هنجارهای سنی به سمت ازدواج مردان مسن‌تر با زنان جوان‌تر از گروه‌های کوچک‌تر باشد، به احتمال زیاد برای مردان نامطلوب خواهد بود. این الگوی سنی ازدواج مردان با زنان جوان‌تر همچنان در چین بسیار رایج است.

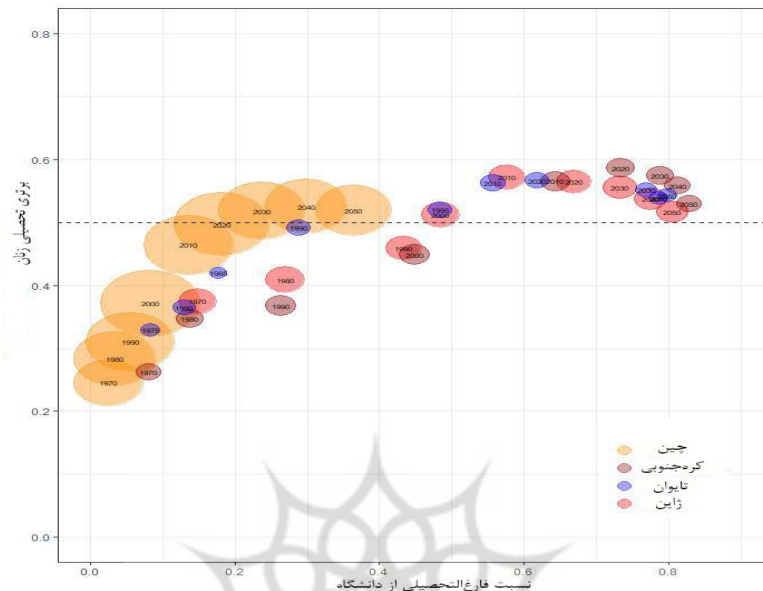
دومین روند جمعیتی که بر ترکیب بازارهای ازدواج برخی از این جمعیت‌ها تاثیر می‌گذارد، انحراف نسبت جنسی موالید (SRB)<sup>۲</sup> است. ابتدا در کره جنوبی و در دهه ۱۹۸۰، سپس در تایوان و در اواسط دهه ۱۹۸۰ و پس از آن در چین و در دهه ۱۹۹۰ تعداد زیادی پسر متولد شدند که در نتیجه عمل سقط جنین بر مبنای جنسیت ناشی از ترجیح داشتن فرزند پسر در این جوامع بود (گولموتو، ۲۰۰۹؛ شاریگین<sup>۳</sup>، اینستاین<sup>۴</sup> و داس گوپتا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳؛ کاشیاپ<sup>۶</sup> و ویلاویسنسیو<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶؛ لی<sup>۸</sup>، لیندی<sup>۹</sup> و فلوریو<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۶). نسبت‌های جنسی موالید در کره جنوبی

- 1-Wittgenstein Centre
- 2-Sex Ratio at Birth
- 3-Sharygin
- 4-Ebenstein
- 5-Das Gupta
- 6-Kashyap
- 7-Villavicencio
- 8-Lee
- 9-Lindy
- 10-Florio

در اوایل دهه ۱۹۹۰ بازگشت به حالت نرمال را نشان دادند و روندهای مشابهی از دهه ۲۰۱۰ در تایوان در حال رخ دادن بود. در چین، اگرچه نسبت‌های جنسی موالید از اواسط تا اواخر دهه ۲۰۰۰ شروع به کاهش کرده است، اما سطوح همچنان منحرف باقی مانده‌اند. در مقابل، ژاپن هیچ انحرافی در نسبت‌های جنسی موالید را تجربه نکرده است.

سومین گرایش، گسترش سطح تحصیلات زنان، به‌ویژه در تحصیلات دانشگاهی است که در این جوامع رخ داده یا در حال رخ دادن است و احتمالاً بر ترکیب آینده بازارهای ازدواج تاثیر می‌گذارد (رایمو و ایواساوا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). شکل ۳. روندهای مشاهده‌شده (۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰) و پیش‌بینی‌شده (۲۰۲۰ تا ۲۰۵۰) جمعیتی را روی یک محور دوگانه را نشان می‌دهد: نسبت جمعیت افراد بین ۲۵ تا ۳۴ سال دارای تحصیلات دانشگاهی (محور افقی) و برتری زنان در تحصیلات (محور عمودی). شاخص آخر، احتمال نسبی دریافت مدرک دانشگاهی برای مردان و زنان را نشان می‌دهد. مقدار ۰.۵ نشان‌دهنده احتمال برابر دریافت مدرک دانشگاهی توسط مردان و زنان است، درحالی‌که مقدار بیش از ۰.۵ نشان‌دهنده احتمال بالاتر دریافت مدرک دانشگاهی توسط زنان نسبت به مردان است (استیو، گارسیا-رومن و پرمانیر، ۲۰۱۲؛ استیو و همکاران، ۲۰۱۶). این ارقام نشان می‌دهد که چگونه با گسترش تحصیلات دانشگاهی، زنان سریع‌تر از مردان پیشرفت کرده‌اند و در نتیجه این دسترسی، نسبت زنان تحصیل‌کرده به مردان تحصیل‌کرده در بازار ازدواج تغییر کرده است. با این حال، زمان گسترش تحصیلات در میان زنان در این چهار جامعه متفاوت است و ژاپن بیش‌ترین افزایش را در دهه ۱۹۸۰ نشان می‌دهد. در مقابل، در کره جنوبی و تایوان، ترکیب سطح تحصیلات بر اساس جنسیت، تقریباً بیش از یک دهه از ژاپن عقب‌تر است. سهم زنان دارای تحصیلات دانشگاهی در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ در تایوان به میزان قابل‌توجهی افزایش یافته است. تا سال ۲۰۱۰ تعداد زنان دارای تحصیلات دانشگاهی در ژاپن، تایوان و کره جنوبی از مردان پیشی گرفت. در چین، تعداد مردان دارای تحصیلات دانشگاهی همچنان از زنان بیشتر است، اما با توجه به میزان رشد سریع‌تر پیشرفت تحصیلی زنان نسبت به مردان، انتظار می‌رود که تعداد زنان دارای تحصیلات دانشگاهی در سال ۲۰۵۰ با تعداد مردان دارای تحصیلات دانشگاهی مساوی شود.

شکل ۳: درصد فارغ‌التحصیلی دانشگاهی (۲۵ تا ۳۴ سال) و برتری تحصیلی زنان، ۱۹۷۰ تا ۲۰۵۰



منبع: شرح و تفصیلات شخصی بر اساس داده‌های لاتز، باتز و کی‌سی (۲۰۱۴) برای چین، کره جنوبی و ژاپن و چنگ و لویچینگر (۲۰۱۷) برای تایوان.

### پیش‌بینی روندهای تجرد طولانی‌مدت تا سال ۲۰۵۰

نرخ‌های تجرد طولانی‌مدت در آینده در برابر تغییرات جمعیتی آتی چگونه خواهد بود؟ به منظور ارزیابی پیامدهای هنجارهای هم‌تایابی معاصر در الگوهای ازدواج آینده، ما از روش پیش‌بینی‌ای استفاده می‌کنیم که توسط کاشیپا، استیو و گارسیا-رومن تهیه شده است. به طور خلاصه، نیروهای جاذبه بر اساس سن و تحصیلات محاسبه شده برای جدیدترین دوره هر کشور را به ترتیب بر پیش‌بینی‌های بر اساس سن و بر اساس سن و تحصیلات اعمال می‌کنیم. نیروهای جاذبه را می‌توان به جمعیت‌های دارای سن خاص یا سن و تحصیلات خاص در شرف ازدواج اعمال کرد، تا تعداد ازدواج‌هایی به دست آید که برای مردان و زنان یک مجموعه خاص از ویژگی‌ها اتفاق می‌افتد. این ازدواج‌ها می‌تواند به یک جمعیت دارای سن خاص در معرض ازدواج در یک دوره مشخص تا یک فرایند گروهی کاهش‌ی تکراری و طولی اعمال شود. در این مدل فرض می‌شود که در سن ۱۵ سالگی، هیچ مرد و زنی هرگز ازدواج نکرده‌است و با حذف افراد در هر مرحله از پیش‌بینی از طریق فرایند کاهش‌ی، جمعیت در معرض ازدواج دوباره سازمان‌دهی می‌شود.

### سناریوهایی با نیروهای جاذبه ثابت بر اساس جنسیت و سطح تحصیلات

در سناریوی اول، ما نیروهای جذب معاصر را بر اساس سن، بر جمعیتی که بر اساس سن و جنسیت تفکیک شده اعمال می‌کنیم. این سناریوی پیش‌بینی، اثر ساختار جمعیتی در حال تغییر را ثبت می‌کند که بر اساس سن و جنسیت با تغییرات جمعیتی بر ساختار جمعیت تاثیر می‌گذارد. در سناریوی دوم، ما نیروهای جذب رایج را بر اساس سن و تحصیلات بر پیش‌بینی‌های جمعیت تفکیک شده بر اساس سن، جنسیت و سطح تحصیلات اعمال می‌کنیم. این سناریو همچنین اثرات ترکیب تحصیلی در حال تغییر در بازار ازدواج را ثبت می‌کند.

در چین، پیش‌بینی‌های بر اساس سن افزایش مجرد طولانی‌مدت در بین مردان را نشان می‌دهد و بیانگر این است که نسبت افرادی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۵۰ از ۵ درصد به ۱۰ درصد خواهد رسید، که تاثیر منفی انحراف‌های نسبت جنسی موالید به همراه کاهش اندازه گروه تولد به دلیل کاهش باروری را به اثبات می‌رساند. در همین دوره شاهد افزایش رواج ازدواج زنان در چین هستیم، چون زنان کمتری نسبت به مردان در بازار ازدواج حضور دارند.

پیش‌بینی‌ها تنها بر اساس سن مردان و زنان ژاپنی، در ابتدا افزایش مجرد و سپس کاهش مجرد تا سال ۲۰۱۵ را نشان می‌دهند، در این زمان الگوهای ازدواج برای زنان ثابت می‌شود و کاهش ناچیزی در مجرد مردان ایجاد شده است. در مقابل، افزایش اولیه مجرد برای مردان اهل کره جنوبی و تایوانی فراوان است. اگر هنجارهای هم‌تایابی بر اساس سن ادامه یابد، کنش بین هنجارها و ترکیب دگرگونی جمعیت‌شناختی بازارهای ازدواج آنها نشان می‌دهد که این جوامع در دهه‌های پس از دهه ۲۰۳۰، سطوح مجرد بیشتری را نسبت به ژاپن تجربه خواهند کرد. پس از سال ۲۰۳۰، در میان مردان اهل کره جنوبی افزایش مجرد مشاهده می‌شود، درحالی‌که در بین زنان افزایش ازدواج دیده می‌شود. اختلاف بین رواج ازدواج بین مردان و زنان در کره جنوبی پس از سال ۲۰۳۰، نشان‌دهنده اثرات انحراف نسبت جنسی موالید است. گروه‌های ۴۵ تا ۴۹ ساله کره جنوبی در سال ۲۰۳۰ کسانی هستند که بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ به دنیا آمده‌اند، یعنی سال‌هایی که نسبت‌های جنسی موالید در کره جنوبی دچار انحراف شده است. الگویی مشابه، که به‌اندازه کره جنوبی چشمگیر نیست، در پیش‌بینی‌های سن و جنسیت تایوان مشاهده می‌شود. این انحراف بین الگوهای ازدواج مردان و زنان در تایوان به‌اندازه انحراف پیش‌بینی‌شده در کره جنوبی چشمگیر نیست و انحراف کمتری را در نسبت‌های جنسی موالید تایوانی در مقایسه با کره جنوبی نشان می‌دهد. باین‌حال، به نظر می‌رسد که افزایش سهم افرادی که هرگز

ازدواج نمی‌کنند، برای مردان و زنان تایوانی در بین سال‌های ۲۰۴۰ تا ۲۰۵۰ بیشتر باشد که به بیش از ۳۰ درصد می‌رسد.

تاثیر سطح تحصیلات در بازار ازدواج بر روی رواج ازدواج در آینده برای چهار جامعه، نشان می‌دهد که در چین، نسبت افرادی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، براساس هر یک از این دو سناریو کاملاً متفاوت است. این موضوع نشان می‌دهد که استانداردهای هم‌تایابی فعلی بر اساس سن و تحصیلات به خوبی با الگوهای تغییر جنسیتی در تحصیلات مورد انتظار در بازار ازدواج منطبق نیستند. برای چین، تجرد در سناریو سن و تحصیلات برای مردان و زنان، پس از سال ۲۰۳۰ بیشتر از سناریوی سن است. زنان پس از افزایش اولیه در میزان ازدواج در اواسط دهه ۲۰۲۰، کاهش ازدواج را شاهد خواهند بود، درحالی‌که مردان پس از سال ۲۰۳۰، افزایش ثابت تجرد را تجربه خواهند کرد. افزایش تجرد در سناریوی سن - تحصیلات از بدتر شدن چشم‌اندازها برای مردان دارای تحصیلات پایین و زنان دارای تحصیلات دانشگاهی ناشی می‌شود که در هنجارهای هم‌تایابی معاصر، بیشتر از هر گروه دیگری تحت‌تاثیر تمایل به فراز همسری قرار دارند.

در ژاپن، تایوان و کره جنوبی، تحصیلات بر بازارهای ازدواج در آینده و گرایش‌ها آنها به عدم ازدواج در میان زنان در آینده چندان تغییر نمی‌کند. در کره جنوبی، چشم‌اندازهای ازدواج مردان زمانی بهبود یافته که تحصیلات، ازدواج آینده آنها را توجیه می‌کند. همچنین این الگو البته با شدت کمتری در تایوان نیز قابل مشاهده است. این امر احتمالاً به دلیل هنجارهای ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های تحصیلات یکسان در الگوهای هم‌تایابی معاصر کره جنوبی است که مردان را قادر می‌سازد تا از بین مجموعه بزرگتری از زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، همسر خود را انتخاب کنند. افزایش سطح تحصیلات زنان، تاثیر منفی بر ساختار سنی و جنسیتی ازدواج مردان کره جنوبی پس از سال ۲۰۳۰ خواهد داشت. ثبات نسبی در سطوح تجرد در ژاپن و همچنین شباهت بین سناریوهای سن محض و سن - تحصیلات در این کشور، نشان‌دهنده انطباق هنجارهای هم‌تایابی ژاپنی با تعداد رو به رشد زنان دارای تحصیلات دانشگاهی در بازار ازدواج است. البته نرخ مجردی حدود ۱۵ درصد برای زنان و ۲۰ تا ۲۵ درصد برای مردان است. برخلاف واگرایی قابل مشاهده در کره جنوبی و همچنین تایوان، الگوهای ازدواج زنان و مردان، گرایشی مشابه با ساختار جمعیت ژاپن را نشان می‌دهند، چون ژاپن تنها کشوری است که تحت‌تاثیر انحرافات نسبت جنسی مولید قرار نگرفته است.

در سال ۲۰۱۰، نرخ تجرد در کره جنوبی، برای مردان ۱۳ درصد و برای زنان ۸ درصد بود و این میزان در تایوان، برای مردان ۱۲ درصد و برای زنان ۱۰ درصد بود است. پیش‌بینی می‌شود که

تا سال ۲۰۲۰، هم کره جنوبی و هم تایوان، در میان مردان سطح مجرد طولانی مدت ۲۰ درصدی یا بیشتر را نشان دهند. برخلاف ژاپن، که در آن سطح مجرد طولانی مدت به ثبات رسیده است، در کشورهای کره جنوبی و تایوان، پیش‌بینی می‌شود که سطوح مجرد طولانی مدت با تداوم هنجارهای رایج در میان تغییرات جمعیتی قریب‌الوقوع، به سطوح بالاتری از مجرد برسد. این پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۵۰ مجرد طولانی مدت در کره جنوبی، بین مردان به ۲۵ درصد و در بین زنان به ۱۵ درصد و در تایوان در بین مردان به ۳۴ درصد و در بین زنان به ۲۹ درصد برسد.

### روندهای پیش‌بینی شده در مورد مجرد طولانی مدت بر اساس سطح تحصیلات، از ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰

پیش‌بینی‌ها نسبت افرادی که در سنین ۴۵ تا ۴۹ سال برای سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰، هرگز ازدواج نکرده‌اند، نشان می‌دهد که همگرایی تحصیلی برای همه جوامع وجود دارد. در جوامعی که مردان نان‌آور خانه تلقی می‌شوند، مردان دارای سطح تحصیلی بالاتر در مقایسه با مردان دارای تحصیلات پایین‌تر شانس بیشتری برای ازدواج دارند (جونز و گوبهاجو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹؛ چنگ، ۲۰۱۴؛ پارک و لی، ۲۰۱۶). در چین، مردان دارای تحصیلات دانشگاهی، برتری خود در بازار ازدواج را حفظ خواهند کرد و بعید به نظر می‌رسد که مجرد درازمدتی را تجربه کنند. در مقابل، سریع‌ترین افزایش مجرد در میان گروه مردان دارای تحصیلات متوسطه رخ می‌دهد، درحالی‌که پیش‌بینی‌ها ثبات در سطح مجرد افراد دارای تحصیلات ابتدایی یا کمتر را نشان می‌دهند. کره جنوبی و تایوان بیشترین تغییر در جمعیت‌های هرگز ازدواج نکرده را دارند، درحالی‌که ژاپن روندهای باثبات‌تری را نشان می‌دهد.

در میان زنان، شیب یکنواخت تحصیلی از الگوی معکوس پیروی می‌کند. در سطوح بالاتر تحصیلی، نسبت زنانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، بالاتر است، درحالی‌که زنان با سطوح پایین تحصیل، همواره به احتمال بالاتری ازدواج می‌کنند. این موضوع به‌وضوح در مورد چین صدق می‌کند. در این کشور تقریباً هیچ تغییری در بین زنان با تحصیلات ابتدایی یا کمتر نیست. روندهای جمعیتی کره جنوبی، افزایش جمعیت افرادی که هرگز ازدواج نکرده‌اند را در بین



گروه‌های دارای تحصیلات متوسطه و دانشگاهی نشان می‌دهند. در تایوان، جمعیت زنانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، در دو یا سه دهه آینده برای همه گروه‌ها افزایش خواهد یافت، اما این افزایش به دلیل جابجایی ترکیب‌های تحصیلی در بازارهای ازدواج تایوان، با سرعت بیشتری در بین جمعیت‌های دارای تحصیلات دانشگاهی و متوسطه رشد می‌کند. قابل ذکر است که زنان ژاپنی نشانه‌هایی از وارونگی فرایند را نشان می‌دهند، به طوری که زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، کاهش تجرد را نشان می‌دهند، درحالی‌که زنان دارای تحصیلات متوسطه، سطح رو به افزایشی از تجرد را در میانه دوره پیش‌بینی نشان می‌دهند.

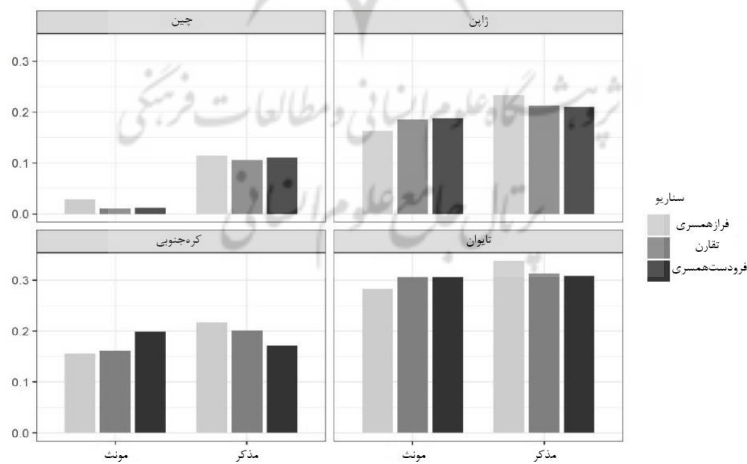
### روندهای پیش‌بینی‌شده در مورد تجرد طولانی‌مدت بر اساس سناریوهای جنسیتی جایگزین

در سناریوهایی که پیش‌تر گفته شده، ترکیب جمعیتی بر بازارهای ازدواج در آینده با هنجارهای معاصر نشان دادیم، افزایش قابل توجهی در تجرد طولانی‌مدت به ویژه در میان مردان دارای تحصیلات پایین و زنان دارای تحصیلات بالاتر وجود دارد. آیا تغییر هنجارهای ازدواج به سمت تقارن سنی و جنسیتی بیشتر یا حتی یک تغییر معکوس به سمت فرودست همسری، می‌تواند به طور بالقوه این افزایش‌ها را متوقف کند؟ در این بخش بررسی می‌کنیم که روندهای تجرد طولانی‌مدت تحت دو سناریویی که توزیع‌های سنی و تحصیلی هنجارهای هم‌تایابی بر اساس جنسیت را تغییر می‌دهند (شکل ۵) چگونه خواهد بود. با اینکه توزیع مشاهده شده در همه کشورها در درجات مختلف منعکس‌کننده هنجارهای سنتی فراز همسری (در شکل ۶) است، نیروهای جاذبه‌ای که مردان را به زنان جوان و دارای سطوح تحصیلات پایین‌تر جذب می‌کنند، به شکل سازمان‌یافته‌ای بالاتر از ترکیب‌های متضاد هستند، همان‌طور که در شکل‌های ۱ و ۲ نشان داده شده‌است. اولین سناریوی جایگزین، هنجارهای فراز همسری را تضعیف کرده و توزیع جنسیتی متقارنی بر اساس سن و سطح تحصیلات را به خود جذب می‌کند (سناریوی تقارن). ما این سناریو را با میانگین‌گیری نیروهای جاذبه در هر دو طرف قطر ایجاد می‌کنیم و در نتیجه تمایلات فراز همسری و فرودست همسری را در حین ثابت نگاه داشتن شدت تمایل به ازدواج (یعنی، بدون تغییر مجموع همه تمایلات به ازدواج) یکسان‌سازی می‌کنیم. دومین سناریوی جایگزین، الگوی جنسیت را به طور کامل معکوس می‌کند. در این سناریو فرض می‌شود که مردان و زنان جایگاه خود را باهم عوض می‌کنند که در این سناریو فرودست

همسری از فراز همسری بیشتر می‌شود. در هر دو سناریو تقارن و فرودست همسری، مجموع نیروهای جاذبه یکسان باقی می‌ماند و در نتیجه ما شدت تمایلات به ازدواج را افزایش نمی‌دهیم، بلکه تنها به دنبال توزیع مجدد آنها بر اساس جنسیت هستیم. در تنظیم سناریوهای جایگزین به این روش، می‌توانیم با اعمال هنجارهای معاصر به ترکیب جمعیتی در حال تغییر، بررسی کنیم که آیا افزایش تجردی که تاکنون مشاهده شده، یکی از نتایج تضعیف کلی تمایل به ازدواج است، یا این افزایش تجرد به توزیع مجدد جنسیتی هنجارهای ازدواج ارتباط دارد؟

شکل ۵، نتایج این پیش‌بینی را نشان می‌دهد. هر مجموعه از نیروهای جاذبه (که به صورت پنلی مشخص می‌شود) به ترکیب سن - جنسیت - سطح تحصیلات پیش‌بینی شده بازار ازدواج در هر جمعیت اعمال می‌شود. در شکل ۵، نسبت زنان و مردانی که در طول سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ متولد شده را نشان می‌دهیم که تا سال ۲۰۵۰ و زمانی که بین ۴۵ تا ۴۹ سال سن دارند، مجرد باقی می‌مانند. با بررسی این گروه خاص که در ابتدای دوره پیش‌بینی ما ۱۵ تا ۱۹ سال سن دارد و برای اولین بار به جمعیت در معرض ازدواج قرار می‌گیرد، می‌توانیم احتمال ازدواج این گروه در طول زندگی آنها را با مجموعه نیروهای جاذبه یکسانی مدل‌سازی کنیم.

شکل ۴: نسبت‌های برآورد شده افرادی که در سن ۴۵ تا ۴۹ سالگی هرگز ازدواج نکرده‌اند، بر اساس جنسیت برای گروه‌هایی که بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ متولد شده‌اند، با اعمال دو توزیع جنسیتی نیروهای جاذبه در هر کشور در مقایسه با فراز همسری مشاهده شده: سناریوی تقارن (فراز همسری = فرودست همسری) و سناریوی فرودست همسری (معکوس کردن کامل الگوی مشاهده شده)



منبع: شرح و تفصیل‌های محقق

نتایج این پیش‌بینی‌ها، نشان می‌دهد که نسبت کلی جمعیت در دو سناریوی جایگزین در مقایسه با سناریوی فراز همسری مشاهده‌شده، تغییر چندانی نخواهد داشت، تغییرات نسبی در هنجارهای هم‌تایابی جنسیتی، بدون تغییر در شدت تمایل کلی به ازدواج، احتمالاً تاثیر کمی بر سطوح مجرد خواهد داشت. با این‌حال، این سناریوها تغییرات ناچیز تا متوسطی را در نسبت مجردها بر اساس جنسیت نشان می‌دهند. برای ژاپن، کره و تایوان، تغییر از سناریوی فراز همسری به سناریوهای تقارن و فرودست همسری، نشان‌دهنده افزایش سطح مجرد برای زنان و کاهش سطح مجرد برای مردان است. در ژاپن و تایوان، سناریوی فرودست همسری نسبت‌های مشابه زنان و مردان مجرد را نشان می‌دهد. از طرف دیگر در کره جنوبی، زنان به احتمال بیشتری نسبت به مردان، زمان بیشتری را مجرد باقی می‌مانند و نظم سنتی را تغییر می‌دهند. اما در چین، مردان تغییر چندانی در نسبت‌های مجرد را تجربه نمی‌کنند، ولی چشم‌اندازهای ازدواج برای زنان بهبود می‌یابد. روندهای مبتنی بر سطح تحصیلات، نشان می‌دهند که هیچ تفاوت بزرگی بین سناریوهای مختلف و هیچ روند سازگاری در چنین تفاوت‌هایی در بین کشورها وجود ندارد. در ژاپن، کره جنوبی و تایوان، چشم‌اندازهای ازدواج مردان دارای تحصیلات دانشگاهی به میزان اندکی تحت سناریوهای «تقارن» و «فرودست همسری» بهبود می‌یابد، درحالی‌که احتمال ازدواج زنان دارای تحصیلات دانشگاهی کمتر است. در چین، گذر از فراز همسری به فرودست همسری، نسبت‌های بیشتری از افراد مجرد در بین مردان دارای تحصیلات دانشگاهی ایجاد کرده و نسبت زنان دارای تحصیلات دانشگاهی که مجرد باقی می‌ماند را کاهش می‌دهد. قدرت فراز همسری در هنجارهای معاصر است که باعث می‌شود تا زنان دارای تحصیلات دانشگاهی محبوبیت کمتری داشته باشند و کاهش این قدرت است که باعث کاهش مجرد در میان زنان دارای تحصیلات دانشگاهی خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

این مقاله دو دستاورد داشته است. اولین دستاورد ما این است که هنجارهای هم‌تایابی ازدواج بر اساس سن و تحصیلات در چهار کشور شرق آسیا را توصیف کرده‌ایم. دومین دستاورد این است که پیامدهای بالقوه این هنجارهای رایج در زمینه تغییرات جمعیتی آتی در بازار ازدواج برای عمومیت ازدواج هر یک از این کشورها، آن‌طور که با مجرد طولانی‌مدت اندازه‌گیری شده را بررسی کرده‌ایم. این جوامع، رژیم‌های ازدواجی را نشان می‌دهند که هرکدام در مراحل مختلف

گذار به ازدواج دیرتر و با تعداد کمتر هستند، اما در گذشته‌ای مشترک از ازدواج زودهنگام، همگانی و نامتقارن جنسیتی را با یکدیگر سهیم هستند. پیش‌بینی‌های ازدواج ما نشان می‌دهد که اگر هنجارهای رایج در هر یک از این زمینه‌ها ادامه یابد، عمومیت ازدواج در دهه‌های آتی به شدت کاهش خواهد یافت؛ این امر با افزایش نسبت افراد مجردی نشان داده شده است که تا سنین ۴۵ تا ۴۹ سالگی هرگز ازدواج نکرده‌اند. این تغییر در ژاپن در حال حاضر نیز مشهود است؛ تعداد مجردهای ۴۵ تا ۴۹ ساله در این کشور در سال ۲۰۱۰، ۲۰ درصد برای مردان و ۱۲ درصد برای زنان بود و به نظر می‌رسد که بر اساس پیش‌بینی ما تا سال ۲۰۵۰ در سطح ۲۳ درصد برای مردان و ۱۶ درصد برای زنان تثبیت شود. الگوهای مشابهی ممکن است در کره جنوبی و تایوان نیز مشاهده شود. در این کشورها سطح مجرد طولانی‌مدت در سال ۲۰۱۰ در حدود ۱۰ درصد بود، اما تا سال ۲۰۵۰ بیش از دو برابر خواهد شد. در پیش‌بینی‌های ما، این تغییرات، صرفاً به عنوان یکی از پیامدهای تغییر ترکیب جمعیتی بازار ازدواج است که برهم کنش مهمی را بین هنجارهای ازدواج و تغییرات جمعیتی در شکل‌گیری الگوهای ازدواج مشاهده شده در سطح جمعیت نشان می‌دهند. در چین، پیش‌بینی‌ها نشان‌دهنده افزایش قابل‌توجه سطوح مجرد کنونی در مقایسه با سطوح مجرد سال ۲۰۱۰ است، اما این میزان، از سطحی که تا سال ۲۰۵۰ در کره جنوبی، تایوان و ژاپن مشاهده می‌شوند، پایین‌تر خواهد بود. تغییر ترکیب سطح تحصیلات در بازار ازدواج به افزایش بیشتر سطح مجرد برای مردان چینی منجر خواهد شد. اگرچه پیشینه تحقیق موجود تاثیر عدم توازن نسبت جنسی مولید بر افزایش مجرد در میان مردان چینی را نشان می‌دهد (گولموتو، ۲۰۱۲؛ شاریگین، اینستاین و داس گوپتا، ۲۰۱۳)، ولی پیش‌بینی‌های ما بیانگر این مهم هستند که توسعه تحصیلی زنان نیز نقش چشمگیری در افزایش هم‌زمان مجرد در میان زنان نخواهد داشت.

هنگامی که مجرد را بر اساس گروه‌های دارای سطوح تحصیلات مختلف تفکیک کرده و هنجارهای همتایابی معاصر را ثابت نگاه می‌داریم، شاهد ادامه‌یافتن شیب یکنواخت تحصیلی در میان مردان هستیم و بزرگ‌ترین افزایش‌ها در مجرد طولانی‌مدت بین گروه‌های با تحصیلات پایین و گروه‌های با تحصیلات دانشگاهی است که کاهش مجرد طولانی‌مدت در چین، ثبات مجرد طولانی‌مدت در ژاپن و افزایش مجرد طولانی‌مدت با شدت کمتری در کره جنوبی و تایوان را تجربه می‌کنند. برای زنان الگوی تحصیلی مجرد دیرهنگام، برعکس آن چیزی است که در میان مردان یافت می‌شود. زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، سطوح بالاتری از مجرد طولانی‌مدت را تجربه می‌کنند. تنها ژاپن استثنا است که در سال ۲۰۳۰ شاهد یک وارونگی خواهد بود و در

این کشور، زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، کاهش تجرد طولانی‌مدت را تجربه خواهند کرد. این یافته با مطالعه اخیر در زمینه ازدواج در ژاپن سازگاری دارد. این مطالعه، وارونگی شیب تحصیلی منفی در نرخ‌های کلی ازدواج اول در بین زنان پس از سال ۲۰۰۹، را نشان می‌دهد (فوکودا<sup>۱</sup>، رایمو و یودا<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). وارونگی شیب تحصیلی منفی در ازدواج زنان در ژاپن در موازات افزایش ظرفیت درآمد زنان و ظهور روابط مثبت بین درآمد زنان و ازدواج در دهه ۲۰۰۰ این کشور قرار دارد (فوکودا، ۲۰۱۳).

در سناریوهای بالا فرض شده که هنجارهای هم‌تایابی فعلی ثابت باقی می‌مانند، اما این فرضیه به‌خصوص در مورد کره جنوبی و تایوان، که در آنها شاهد افزایش شدید تجرد طولانی‌مدت نسبت به سطح تجرد در سال ۲۰۱۰ آنها هستیم، میزان ناسازگاری هنجارهای هم‌تایابی آینده در بازارهای ازدواج این کشورها را نشان می‌دهد. در تایوان و کره جنوبی، نیروهای جاذبه کنونی مشاهده شده در ازدواج‌های اخیر، ممکن است سبب دوره تغییرات سریعی در هنجارهای ازدواج در همه گروه‌ها شود. در این دو کشور، هنجارهای هم‌تایابی گروه‌های مسن‌تر با گروه‌های جوان‌تر تفاوت زیادی دارد. گروه‌های مسن‌تر در این دو محیط، زود ازدواج می‌کردند و رفتار ازدواجی آنها الگویی برای گروه‌های جوان‌تر فراهم نمی‌کند، تا بتوانند آن را دنبال کنند. در مقابل، اگر هنجارهای معاصر در ژاپن ادامه یابند، افزایش تجرد در مقایسه با کره جنوبی و تایوان با شیب کمتری همراه خواهد بود. این حقیقت که توسعه سطح تحصیلات زنان در ژاپن در مقایسه با کره جنوبی و تایوان سابقه طولانی‌تری دارد، نشان می‌دهد که در حال حاضر، هنجارهای هم‌تایابی ژاپنی با ترکیب جمعیتی در حال تغییر بازار ازدواج منطبق شده‌است. اگرچه سهم این تمایلات جنسیتی به صورت متقارن‌تری افزایش یافته است، اما این مساله در کنار تضعیف کلی تمایل به ازدواج رخ داده است. تمایل به ازدواج با تضعیف نیروهای جاذبه نشان داده شده است.

ما در سناریوهای غیر واقعی، دو مجموعه جایگزین از هنجارهای هم‌تایابی جنسیتی را بر جوامع اعمال کرده‌ایم و در عین حال، تمایلات معاصر به ازدواج را ثابت نگه داشتیم. این سناریوها به ما امکان داد، تا بررسی کنیم که آیا افزایش تجرد ناشی از برهم کنش دگرگونی‌های جمعیت‌شناختی با هنجارهای معاصر، توسط توزیع جنسیتی هنجارها (به‌عنوان مثال، فراز همسری بر اساس سن و تحصیلات) هدایت شده است، یا بیشتر به دلیل تضعیف کلی تمایل به

1-Fukuda

2-Yoda

ازدواج در بازار ازدواج این جوامع به وجود آمده است. از طریق این سناریوهای غیر واقعی نشان دادیم که چگونه حرکت به سمت هنجارهای هم‌تایابی جنسیتی متقارن‌تر (ازدواج با فردی از طبقات و رتبه‌های یکسان) یا به سمت الگوهای فرودست همسری، اثرات نسبتاً کمی بر سطوح کلی مجرد دارد، اما برای شیب‌های جنسیتی، در شکل‌گیری ازدواج پیامدهایی خواهد داشت. در چین، پذیرش هنجارهای فرودست همسری، رواج ازدواج برای زنان، به‌خصوص زنانی را تقویت کرده است که تحصیلات دانشگاهی دارند، درحالی‌که احتمال ازدواج مردان را کاهش می‌دهد. در مقابل، در ژاپن، کره و تایوان، تغییر مسیر از هنجارهای فراز همسری به سمت هنجارهای فرودست همسری، به بهبود احتمال ازدواج برای مردان، به‌ویژه در میان کسانی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند و کاهش ازدواج زنان منجر می‌شود. این امر به کاهش تفاوت بین نرخ‌های مجرد زنان و مردان می‌انجامد. بنابراین، این سناریوها نشان می‌دهند که حتی توزیع مجدد فراوان نیروهای جاذبه، تاثیر چندانی بر مجرد نخواهد داشت، چراکه هنجارهای ازدواج به طور کلی در این جوامع تضعیف شده‌است.

در اینجا، به چند محدودیت این تحقیق اذعان می‌کنیم. اولاً، پیش‌بینی‌های ازدواج ما پیش‌بینی‌های جمعیت بر اساس سن، جنسیت و سطح تحصیلات را به‌عنوان ورودی در نظر می‌گیرند. در این پیش‌بینی‌های جمعیتی، فرضیات خاصی در مورد الگوهای تغییرات آینده وجود دارد که اگر اشتباه باشند، پیامدهایی برای نتایج ما خواهند داشت. ما تلاش کرده‌ایم تا حدودی عدم قطعیت‌ها را با پیش‌بینی تا سال ۲۰۵۰ محدود کنیم و روی گروه‌هایی تمرکز کنیم که در حال حاضر به دنیا آمده‌اند و در معرض نرخ‌های گذار تحصیلی رایج قرار دارند. جوان‌ترین گروه ما بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ به دنیا آمده‌اند. علاوه بر این، پیش‌بینی‌های ما بر جمعیت‌های سطح ملی متمرکز هستند که عدم‌تجانس‌های منطقه‌ای چشمگیری را به‌ویژه در جوامع بزرگ و متنوعی مثل چین پنهان می‌کنند. این امر به دلیل دسترسی محدود به پیش‌بینی‌های جمعیتی بر اساس سن و تحصیلات در سطوح محلی بوده است. ما همچنین در هنگام در نظر گرفتن جمعیت در شرف ازدواج، بازارهای ازدواج ملی را در نظر گرفته‌ایم. مهاجرت ازدواج در سال‌های اخیر به‌عنوان توسعه اجتماعی در کره جنوبی و تایوان مورد توجه قرار گرفته است و این روندها نیز بر نحوه توسعه الگوهای ازدواج در این جوامع تاثیر خواهند گذاشت (لی، لیندی و فلوریو، ۲۰۱۶؛ رایمو و پارک، ۲۰۲۰). درحالی‌که ما در هنگام برآورد نیروهای جاذبه، ازدواج‌های فراملی را در نظر گرفته‌ایم، اما تعیین حد و مرز یک جمعیت بالقوه در شرف ازدواج در هنگام در نظر گرفتن احتمال مهاجرت ازدواج، دشوار است. در نتیجه، ما در

پیش‌بینی‌های خود تاثیر مهاجرت ازدواج را دست‌کم گرفته‌ایم، که می‌تواند به کاهش رشدهای پیش‌بینی‌شده مجرد منجر شود. همچنین سن و تحصیلات را به‌عنوان دو بُعد طبقه‌بندی در تحلیل‌های خودمان در نظر گرفته‌ایم. چند بُعد دیگر طبقه‌بندی، برای مثال، قومیت نیز برای بازارهای ازدواج اهمیت دارند. علاوه بر این، تمرکز ما در اینجا قیاسی بوده‌است و همان‌طور که تحلیل‌های ما نشان می‌دهند، تحصیلات یک بُعد مهم از طبقه‌بندی اجتماعی-اقتصادی در هر یک از این بازارهای ازدواج است. با این‌همه، ما اذعان می‌کنیم که نظام‌های آموزشی در هر یک از این کشورها، کاملاً متفاوت هستند و درحالی‌که گروه‌بندی‌های ما مقایسه را تسهیل می‌کنند، اما ممکن است عدم‌تجانس مهمی که در دسته‌های تحصیلی وجود دارد را پنهان کنند. برای مثال، ما در گروه، تحصیلات دانشگاهی، مدارس فنی‌حرفه‌ای، آموزش‌شده‌ها و دوره‌های دانشگاهی چهارساله را گنجانده‌ایم. این موارد، انواع مختلفی از صلاحیت‌های تحصیلی را در بر می‌گیرند که برای الگوهای جفت‌یابی‌گزینه‌ی پیامدهایی دارند، اما عملیاتی‌کردن آنها در زمینه تحقیق فراملی با ترکیب منابع متعدد داده و با در نظر گرفتن این واقعیت که تحلیل‌های ما با طبقه‌بندی تحصیلی مورد استفاده در پیش‌بینی‌های زیربنایی جمعیت محدود شده‌اند، کاری بسیار دشوار است. در کنار توسعه سطح تحصیلات، متوجه می‌شویم که مفهوم تحصیلات نیز در طول زمان در هر یک از این کشورها به‌خصوص در ژاپن و کره جنوبی تغییر کرده است. در حال حاضر در این دو کشور، جمعیت افراد دارای تحصیلات پایین‌تر از دبیرستان، نسبت به جمعیت بسیار کوچک است. مفهوم مرتبط با این مساله، پیامدهایی برای نحوه درک این افراد در بازار ازدواج به همراه دارد. به‌عنوان مثال، درحالی‌که تمایلات ازدواج در میان گروه‌های دارای سطح تحصیلات پایین در چین نسبتاً بالا است، این الگوها ممکن است، تغییر کنند چون این گروه کوچک‌تر شده و آموزش عالی گسترده‌تر می‌شود. ما امیدواریم که پژوهش‌های آتی چند مورد از این محدودیت‌ها را برطرف کرده و در آنها ارزیابی شود که آیا هنجارها به ترکیب جمعیتی در حال تغییر این جوامع واکنش نشان می‌دهند و اگر این چنین است، چه واکنشی نشان خواهند داد.

به‌هرحال، نتایج پیش‌بینی‌های ما کاهش احتمالی رواج ازدواج در دهه‌های آینده در این چهار کشور را نشان می‌دهد که از تمایلات به ازدواج و دگرگونی‌های جمعیت‌شناختی آتی در جوامع شرق آسیا ناشی می‌شود. تحلیل‌های ما بر اهمیت بررسی تغییرات جمعیتی در ترکیب بازارهای ازدواج تاکید می‌کند، درحالی‌که پیش‌بینی‌های ما غیر واقعی و بر مبنای فرضیات هستند، اما نشان می‌دهند که وقوع تغییرات جمعیتی جاری در زمینه هنجارهای رایج، چگونه به سطوح

تجدد بی‌سابقه‌ای منجر خواهند شد. با اعداد و ارقام قطعی و بر اساس پیش‌بینی‌های ما که در آنها هنجارهای معاصر را ثابت نگه داشته‌ایم، تعداد افراد مجرد چینی که تا سنین ۴۵ تا ۴۹ سالگی هرگز ازدواج نکرده‌اند، از ۱,۷۸ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ به ۶,۰۹ میلیون نفر در سال ۲۰۵۰ افزایش پیدا خواهد کرد. در کره جنوبی تعداد افراد مجردی که تا سنین ۴۵ تا ۴۹ سالگی هرگز ازدواج نکرده‌اند، بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۵۰ دو برابر شده و از ۰,۲۱ میلیون نفر به ۰,۴۴ میلیون نفر می‌رسد و در تایوان از ۰,۲۱ میلیون نفر به ۰,۳۸ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. در مقابل، در ژاپن با اندکی کاهش مواجه خواهیم بود و تعداد افرادی که تا سنین ۴۵ تا ۴۹ سالگی هرگز ازدواج نکرده‌اند، از ۱,۲۸ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ به ۱,۱۶ میلیون نفر در سال ۲۰۵۰ کاهش پیدا خواهد کرد. حتی هنگامی که برخی از این تمایلات، توزیع مجدد شوند، همان‌طور که در سناریوهای جنسیتی جایگزین ما این توزیع مجدد انجام شده است، تجدد در سه کشور از چهار کشور افزایش خواهد یافت. این نشان می‌دهد که اگر افزایش کلی تمایل به ازدواج رخ ندهد، ازدواج عمومی در شرق آسیا کاهش پیدا خواهد کرد. پیامدهای بالقوه چنین روندهایی، نه تنها برای نهاد ازدواج، بلکه برای باروری و تولید نسل اجتماعی و همچنین تشکیل خانواده و حمایت از افراد سالخورده، گسترده خواهد بود. ازدواج، به‌عنوان پیوندی که بین دو خانواده شکل می‌گیرد، اساس همبستگی اجتماعی در محیط‌های جمع‌گرایی مثل آسیا را شکل می‌دهد. بنابراین، تغییرات در رژیم‌های ازدواج ممکن است، تاثیر عمیقی بر بافت اجتماعی این جوامع آسیای شرقی داشته باشد، به‌خصوص وقتی که ازدواج همچنان هنجاری است که معمولاً به رسمیت شناخته شده و به‌عنوان زمینه ایده‌آلی برای فرزندآوری در نظر گرفته می‌شود. همان‌طور که در مورد ژاپن نشان داده شده، عدم باروری و به‌طور خاص بی‌فرزندگی، رابطه نزدیکی با ازدواج دارد و بی‌فرزندگی عامل اصلی کاهش باروری در ژاپن در طول دهه‌های اخیر بوده است (رایمو و همکاران، ۲۰۱۵). برخلاف جوامع غربی، به تعویق افتادن ازدواج در آسیا با افزایش قابل‌توجه هم‌باشی و فرزندآوری بدون ازدواج همراه نبوده است (لستائگ، ۲۰۱۰). میزان هم‌باشی و فرزندآوری بدون ازدواج در آینده تا حد زیادی مشخص خواهد کرد که ازدواج چگونه بر روندهای باروری، رشد جمعیت، سالخوردگی و تولید نسل اجتماعی تاثیر خواهد گذاشت.



## منابع:

- Cheng, Y.H.A. (2014). Changing partner choice and marriage propensities by education in post-industrial Taiwan, 2000–2010. *Demographic Research* 31(33): 1007–1042. doi:10.4054/DemRes.2014.31.33.
- Cheng, Y.H.A. and Loichinger, E. (2017). The future labor force of an aging Taiwan: The importance of education and female labor supply. *Population Research and Policy Review* 36: 441–466. doi:10.1007/s11113-016-9423-z.
- Esteve, A., Schwartz, C.R., Van Bavel, J., Permanyer, I., Klesment, M., and GarcíaRoman, J. (2016). The end of hypergamy: Global trends and implications. *Population and Development Review* 42(4): 615–625. doi:10.1111/padr.12012.
- Esteve, A., García-Román, J., and Permanyer, I. (2012). The gender-gap reversal in education and its effect on union formation: The end of hypergamy? *Population and Development Review* 38(3): 535–546. doi:10.1111/j.1728-4457.2012.00515.x.
- Fukuda, S. (2013). The changing role of women's earnings in marriage formation in Japan. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science* 646(1): 107–128. doi:10.1177/000271621464472.
- Fukuda, S., Raymo, J.M., and Yoda, S. (2020). Revisiting the educational gradient in marriage in Japan. *Journal of Marriage and Family*. 82(4):1378–1396. doi:10.1111/jomf.12648.
- Guilmoto, C.Z. (2009). The sex ratio transition in Asia. *Population and Development Review* 35(3): 519–549. doi:10.1111/j.1728-4457.2009.00295.x.
- Guilmoto, C.Z. (2012) Skewed sex ratios at birth and future marriage squeeze in China and India, 2005–2100. *Demography* 49(1): 77–100. doi:10.1007/s13524-011-0083-7.
- Hannum, E., Ishida, H., Park, H., and Tam, T. (2019). Education in East Asian societies: Post war expansion and the evolution of inequality. *Annual Review of Sociology* 45: 625–647.
- Jones, G.W. (2010). Changing marriage patterns in Asia (Asia Research Institute Working Paper 131) Singapore: National University of Singapore. doi:10.2139/ssrn.1716533.

- Esteve et al.: Demographic change and increasing late singlehood in East Asia, 2010–2050 1392 <https://www.demographic-research.org>.
- Jones, G.W. and Gubhaju, B. (2009). Factors influencing changes in mean age at first marriage and proportions never marrying in the low-fertility countries of East and Southeast Asia. *Asian Population Studies* 5(3): 237–265. doi:10.1080/17441730903351487.
- Kan, M.Y., Hertog, E., and Kolpashnikova, K. (2019). Housework share and fertility preference in four East Asian countries in 2006 and 2012. *Demographic Research* 41(35): 1021–1046. doi:10.4054/DemRes.2019.41.35.
- Kashyap, R., Esteve, A., and García-Román, J. (2015). Potential (mis) match? Marriage markets amidst sociodemographic change in India, 2005–2050. *Demography* 52(1): 183–208. doi:10.1007/s13524-014-0366-x.
- Kashyap, R. and Villavicencio, F. (2016). The dynamics of son preference, technology diffusion, and fertility decline underlying distorted sex ratios at birth: A simulation approach. *Demography* 53(5): 1261–1281. doi:10.1007/s13524-016-0500-z.
- Lee, H., Lindy, W., and Florio, A. (2016). Adapting to marriage markets: International marriage migration from Vietnam to South Korea. *Journal of Comparative Family Studies* 47(2): 267–288. doi:10.3138/jcfs.47.2.267.
- Lesthaeghe, R. (2010). The unfolding story of the second demographic transition. *Population and Development Review* 36(2): 211–251. doi:10.1111/j.1728-4457.2010.00328.x.
- Lutz, W., Butz, W.P., and KC, S. (2014). *World population and human capital in the twenty-first century*. Oxford: Oxford University Press. doi:10.1093/acprof:oso/9780198703167.001.0001.
- Myrskylä, M., Goldstein, J.R., and Cheng, Y.H.A. (2013). New cohort fertility forecasts for the developed world: rises, falls, and reversals. *Population and Development Review* 39(1): 31–56. doi:10.1111/j.1728-4457.2013.00572.x.
- Park, H. and Lee, J.K. (2016). Growing educational differentials in the retreat from marriage among Korean men. *Social Science Research* 66: 187–200. doi:10.1016/j.ssresearch.2016.10.003.

- Qian, Z. and Preston, S.H. (1993). Changes in American marriage, 1972 to 1987: Availability and forces of attraction by age and education. *American Sociological Review* 58(4): 482–495. doi:10.2307/2096072.
- Raymo, J.M., Park, H., Xie, Y., and Yeung, W.J. (2015). Marriage and family in East Asia: Continuity and change. *Annual Review of Sociology* 41: 471–492. doi:10.1146/annurev-soc-073014-112428.
- Demographic Research: Volume 43, Article 46 <https://www.demographic-research.org> 1393
- Raymo, J.M. and Iwasawa, M. (2005). Marriage market mismatches in Japan: An alternative view of the relationship between women's education and marriage. *American Sociological Review* 70(5): 801–822. doi:10.1177/000312240507000504.
- Raymo, J.M. and Park, H. (2020). Marriage declines in Korea: Changing composition of the domestic marriage market and growth in international marriage. *Demography* 57(1): 171–194. doi:10.1007/s13524-019-00844-9.
- Schoen, R. (1988). Modeling multigroup populations. New York: Plenum Press. doi:10.1007/978-1-4899-2055-3.
- Sharygin, E., Ebenstein, A., and Das Gupta, M. (2013). Implications of China's future bride shortage for the geographical distribution and social protection needs of never-married men. *Population Studies* 67(1): 39–59. doi:10.1080/00324728.2012.723893.
- United Nations, Division of Economic and Social Affairs (2011). *World population prospects: The 2010 revision*. New York: United Nations.
- Yu, J. and Xie, Y. (2015). Changes in the determinants of marriage entry in post-reform urban China. *Demography* 52(6): 1869–1892. doi:10.1007/s13524-015-0432-z.